

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



مؤلف: محمود رضانی

انتشارات چتر دانش

- سرشناسه
 - عنوان و نام پدیدآور
 - مشخصات نشر
 - مشخصات ظاهری
 - شابک
 - وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 - یادداشت
 - عنوان دیگر
 - موضوع
 - موضوع
 - موضوع
 - موضوع
 - رده بندی کنگره
 - رده بندی دیویی
 - شماره کتابشناسی ملی
- : رمضانی نوری، محمود، ۱۳۴۹ -
 : ۵۰۵ واژه متون حقوقی / مولف محمود رمضانی.
 : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۳.
 : ۳۵۲ص: ۱۱×۱۷س.م.
 : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۰۹-۲ :
- : چاپ قبلی کتاب حاضر با عنوان "۵۰۵ واژه متون
 حقوقی 505words همراه با ۱- تلفظ استاندارد
 ۲- ۸۰۰ نکته کلیدی در ..." در سال ۱۳۹۰ توسط
 آراء سبز در ۳۱۲ص. منتشر شده است.
 : ۵۰۵ واژه متون حقوقی 505words همراه با
 ۱- تلفظ استاندارد- ۲- ۸۰۰ نکته کلیدی در ...
 : دانشگاه‌ها و مدارس عالی - ایران - آزمون‌ها
 : حقوق - آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
 : حقوق - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی
 : زبان انگلیسی - کتاب‌های قرائت - حقوق -
 ترجمه شده به فارسی
 : LB۲۳۵۳/۷۸۲۵۵پ۲ ۱۳۹۳ :
 : ۳۷۸/۱۶۶۴ :
 : ۳۴۴۴۳۲۰ :

- نام کتاب
 - رشته
 - ناشر
 - مؤلف
 - نوبت و سال چاپ
 - شمارگان
 - شابک
 - قیمت
- : ۵۰۵ واژه متون حقوقی
 : حقوق
 : چتر دانش
 : محمود رمضانی
 : هشتم- ۱۴۰۲ :
 : ۱۰۰۰ :
 : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۰۹-۲ :
 : ۱۳۰۰۰۰ :

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری‌جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر



رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفه ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

تقدیم به

آن همیشه استوار، پدر
و
معنای مهربانی، مادر

فهرست

- ۵ راهنمای تلفظ
- ۸ متن (واژگان)
- ۲۱۰ تست های طبقه بندی شده
- ۲۱۰ سؤالات حقوق خصوصی
- ۲۶۱ سؤالات حقوق جزا
- ۲۹۷ سؤالات حقوق بین الملل
- ۳۲۵ سؤالات حقوق عمومی

sh = ش

zh = ژ

th = شبیه صدای ث عربی

dh = شبیه صدای ذ عربی

g = گ

j = ج

v = و

w = شبیه صدای و عربی

y = ی

z = ز

1. Abduction (ab'dâkshen)

آدم ربایی

Wrongful leading away of a person, usually involving fraud or force.

بردن غیرقانونی یک شخص، معمولاً همراه با فریب یا زور.

2. Absconding (abs'kânding)

فراری

The failure of someone charge with a criminal offence, who has been released on bail, to give himself to the custody of the court of police.

کسی که متهم به جرم جنایی شده و به قید کفالت یا ضمانت آزاد گردیده، خودش را تحت مراقبت و محافظت دادگاه و پلیس قرار ندهد.

3. Acceptance (ak'septens)

قبول، قبولی

A statement made by or other conduct of the offeree indicating assent to an offer is an acceptance. Silence or inactivity does not in itself amount to acceptance.

اظہار یا اعمال پیشنهادگیرنده که نشان دهنده رضایت وی نسبت به پیشنهاد است، قبولی می باشد. سکوت یا عدم واکنش فی نفسه منجر به قبولی نمی شود.

Acceptance is the unconditional assent.

قبولی عبارتست از رضایت بدون قید و شرط.

Acceptance may be either expressed (by word of mouth or in writing) or inferred from the offeree's conduct.

قبولی ممکن است یا (از طریق کلمات کلامی [شفاهی] یا بطور کتبی) بیان شود یا از طریق رفتار ایجاب گیرنده استنباط شود.

An acceptance of an offer becomes effective at the moment the indication of assent reaches the offeror. An acceptance is not effective if the indication of assent does not reach the offeror within the time he has fixed or, if no time is fixed, within a reasonable time, due account being taken of the circumstances of the transaction including the rapidity of the means of communication employed by the offeror. An oral offer must be accepted immediately unless the circumstances indicate otherwise.

However, by virtue of the offer or as a result of practices which the parties have established between themselves or of usage . The offeree may indicate assent by performing an act, such as one relating to the dispatch of the goods or payment of the price, without notice to offeror, the acceptance is effective at the moment the act is performed, provided that the act is performed within the period of time laid down in the preceding paragraph.

قبول یک پیشنهاد موقعی که رضایت به ایجاب دهنده می رسد، نافذ و مؤثر می شود. چنانچه نشانه رضایت به ایجاب دهنده ظرف مدتی که مقرر کرده نرسد و اگر مهلتی پیش بینی نشده باشد، ظرف یک مهلت

معقول به وی نرسد موجب نفوذ قبولی نیست و در مورد اخیر به شرایط معامله توجه می شود از جمله سرعت وسایلی که توسط ایجاب دهنده برای مراسلات به کار رفته است. یک ایجاب شفاهی باید بی درنگ قبول شود، مگر اینکه شرایط خلاف آن را ذکر کند. اما، چنانچه به موجب ایجاب یا در نتیجه روشهایی که طرفین بین خود برقرار کرده اند یا عرف، ایجاب گیرنده بتواند رضایت خود را به وسیله عملی نشان دهد مانند ارسال کالاها یا پرداخت قیمت کالاها بدون اعلام به ایجاب دهنده، قبولی از لحظه ای نافذ می شود که عمل مزبور انجام شده است، مشروط بر اینکه عمل مذکور ظرف مهلتی که در بند قبلی مقرر شده صورت گرفته باشد.

4. Acceptance subject to contract

(ak'septens sâbjekt too kântrakt)

قبولی مشروط به انعقاد قرارداد

In some contracts, one party accepts the other party's offer subject to contract, namely, the acceptance is a conditional acceptance.

در برخی قراردادها، یک طرف، ایجاب طرف دیگر را "مشروط به انعقاد قرارداد" می پذیرد. یعنی قبولی یک قبولی مشروط است.

5. Accomplice (e'kâmplis)

شریک یا معاون جرم، همدست

Accomplice means one who is a party to a crime either as a perpetrator or as an accessory.

شریک یا معاون جرم به معنای کسی که طرف (شریک) جرم یا بعنوان مرتکب یا بعنوان معاون جرم است، می باشد.

6. Accusatory system (a'kyoozitori sistem)

سیستم اتهامی

The system of criminal procedure, the one used in England, the United States, and other common law countries, is accusatory, or adversary, as it is more often described. Here the prosecution and defense are the moving parties throughout the proceedings, and they produce such evidence as that deem fit in the course of a contest between accuser and accused.

سیستم آیین دادرسی کیفری، که در انگلستان و آمریکا و سایر کشورهای کامن لا مورد استفاده قرار می گیرد، سیستم اتهامی است که غالباً زیاد توصیف می شود. در این سیستم (اتهامی) تعقیب و دفاع در سراسر طول دادرسی برعهده طرفین اقدام کننده می باشد و آنها هستند که دلایلی را که در جریان دعوا بین شاکی و متهم مناسب بنظر می رسد ارائه می دهند.

7. Actio ex maleficio

(akshee-oh eks malefisheshee- oh)

دعوای شبه جرم

Actio ex maleficio means actio ex delicto

دعوای شبه جرم یعنی دعوای شبه جرم

8. Action (akshen)

دعوی

Action is a proceeding in which a party pursues a legal right in a civil court.

دعوی عبارتست از اقداماتی که به موجب آن یک طرف حق قانونی خود را در یک دادگاه مدنی تعقیب می کند.

9. Actus non facit reum, nisi mens sit rea

(aktes nân faysheet ree-yem, nisi menz sit ree-e)

فعل فی نفسه ایجاد جرم نمی کند مگر اینکه با قصد و نیت مجرمانه انجام شود

The maxim “actus non facit reum, nisi mens sit rea” means the act itself does not constitute guilt unless done with a guilty intent.

قاعده، فعل فی نفسه ایجاد جرم نمی کند مگر اینکه با قصد و نیت مجرمانه انجام شود به معنای فعل به تنهایی ایجاد جرم نمی کند مگر اینکه با نیت مجرمانه انجام شود می باشد.

10. Actus reus of burglary

(aktes ree-es âv bergleri)

عنصر مادی برگرری

The actus reus of burglary is the entering into a building without the right to do so.

عنصر مادی ورود به ساختمان غیر به قصد ارتکاب جرم عبارتست از ورود به ساختمان غیر بدون حق انجام چنین کاری.

11. Actus reus of murder (aktes ree-es âv merder)

عنصر مادی قتل عمد

The actus reus of the crime of murder is the prohibited act of omission of the accused which results in the death of the victim.

عنصر مادی جرم قتل عمد عبارتست از فعل یا ترک فعل ممنوعه متهم که منجر به مرگ قربانی می‌شود.

12. Actus reus of theft (aktes ree-es âv theft)

عنصر مادی سرقت

The actus reus of the crime of theft is appropriation of property belonging to another.

عنصر مادی جرم سرقت عبارتست از تصاحب مال متعلق بدیگری.

13. Administrative law (ad'ministretiv lo)

حقوق اداری

Administrative law is branch of law is concerned with the work of official agencies in providing services and in regulating the activities of citizens.

Administrative law may be defined as the law which determines the organization, powers and duties of executive authorities.

Law concerned with the executive authority and the bodies associated with it

حقوق اداری شاخه ای از حقوق است که به کار نمایندگی های رسمی در فراهم کردن خدمات و تنظیم فعالیت های شهروندان مربوط می شود.

حقوق اداری می‌تواند به عنوان حقوقی که سازمان، اختیارات و تکالیف

مقامات اجرایی را تعیین می‌کند تعریف شود.
حقوقی که مربوط می‌شود به مقام اجرایی و ارگانهای مرتبط با آن.

14. Administrative powers (ad'ministretiv power)

اختیار اجرایی

It means discretionary power of an executive nature that are conferred by legislation on government ministers, public and local authorities.

اختیار اجرایی عبارتست از اختیار غیر مقید (اختیاری) دارای ماهیت اجرایی که توسط قوه مقننه به وزرای حکومت و مقامات دولتی و محلی واگذار می‌شوند.

15. Adoption or continuance of nuisance (e'dâpshen or kân'tinyuwens âv nyoosens)

پذیرش یا استمرار مزاحمت

The "adoption" or "continuance" of nuisance arises where the defendant's interference with the use or enjoyment of neighbouring land is of a continuing of regular nature.

پذیرش یا استمرار مزاحمت زمانی مطرح می‌شود که مداخله خوانده در استفاده یا تمتع از ملک مجاور و همسایه دارای استمرار با ماهیت منظم باشد.

16. Adultery (a'dâlteri)

زنا

Sexual intercourse of a married and consenting man with a woman of similar state who is not his spouse.

در حقوق جزای ایران، تعریف زیر از دقیقتر است: رابطه جنسی یک مرد متأهل و رضامند با یک زنی که همسرش نیست.

17. Affidavit (afi' deyviti)

استشهاد، سوگندنامه

An affidavit is a sworn written statement in support of an application.

An affidavit is statements in writing and on oath.

استشهاد یا سوگندنامه عبارت است از بیانیه یا اعلان کتبی حقایق همراه با ادای سوگند در جهت تأیید تقاضا یا درخواست نامه. استشهاد یا شهادتنامه اعلان کتبی و همراه با سوگند است.

18. Affray (e' frey)

نزاع و درگیری

Affray is the offence of intentionally using or threatening unlawful violence.

نزاع و درگیری عبارت است از جرم بکارگیری یا تهدید عمدی خشونت غیرقانونی.

19. Agency (eyjensi)

نمایندگی

Agency is a contract whereby one of the two parties appoints the other as his representative to perform something.

Agency is a major common law exception to the doctrine of privity.

وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود قرار می دهد (منصوب می کند). نمایندگی یک استثنای مهم بر نظریه نسبی بودن (قرارداد) در کامن لا محسوب می شود.

20. Agency of necessity (eyjensi âvni'sesiti)

دفتر نمایندگی و عاملیت

Agency of necessity occurs when a person is entrusted with another's property and it becomes necessary to do something to preserve that property.

دفتر نمایندگی و عاملیت نیاز و احتیاجات یا آژانس ضرورت وقتی اتفاق می افتد که شخصی، اموال دیگری را که به امانت به او سپرده می شود، ضروری است که برای حفظ آن اموال اقدامات لازم را به عمل آورد.

21. Agent of necessity (eyjent âv ni'sesiti)

وکیل اضطراری

The agent of necessity must act bona fide in the interests of all parties concerned.

وکیل اضطراری باید با حسن نیت به نفع همه طرفین ذینفع عمل کند.

22. Aggravated burglary (agreveytidbergleri)

سرقت مشدد

Aggravated burglary means armed burglary.

سرقت مشدد به معنای سرقت مسلحانه می باشد.

23. Aggravated theft (agreveytid theft)

سرقت مشدده

Robbery is a form of aggravated theft.

سرقت توأم با عنف شکلی از سرقت مشدده هست.

24. Aggression (e'greshen)

تجاوز

Use of armed forces staying in foreign territory with the agreement the receiving state in contravention of the agreement is qualified agreement is called aggression.

استفاده از نیروهای مسلح مستقر در کشور خارجی با توافق دولت دریافت کننده در نقض موافقتنامه استقرار تجاوز نامیده می شود.

25. Agreement (e'griiment)

توافق

Agreement means consensus ad idem or meeting of mind.

Mere combination of a clear and definite offer and an unconditional acceptance will make an agreement.

توافق یعنی تلاقی افکار یا توافق اراده ها.

ترکیب صرف ایجاب روشن و قطعی و قبول بدون قید و شرط، توافق را خواهد ساخت.

26. Agreement to arbitration

(e'griimenttoo arbi'treysheh)

قرارداد داوری

A reference in any agreement to arbitration is taken to mean a single arbitrator

وجود یک مرجع در هر قرارداد داوری به معنای یک داور واحد تلقی می شود.

27. Aider and abettor (eyder and e'beter)

کمک کننده و تشویق کننده

Aider and abettor is the person who is present at the time of commission of the crime and who assists and encourages the commission.

کمک کننده و تشویق کننده (شریک جرم) شخصی است که در زمان ارتکاب جرم حضور دارد و به ارتکاب جرم کمک و یا آن را تشویق می نماید.

28. Alterations in Constitutional law

(olte'reyshen in kânsti'tyooshenâl lo)

تغییر در قانون اساسی

In some countries it is quite normal that the law of constitution should provide within itself a method of its own alternation.

در برخی از کشورها، کاملاً طبیعی است که قانون اساسی باید در داخل خود، روشی را برای تغییر و تبدیل خودش مقرر و پیش‌بینی کند.

29. Alterations of the constitution

(olte'reyshen âv dhe kânsti'tyooshen)

تغییر قانون اساسی

Where a country possesses a written constitution, the main rules of constitutional law are contained within it. Alterations to these rules are made from time by the procedure laid down for amendment of the constitution.

وقتی کشوری دارای قانون اساسی نوشته می باشد قواعد اساسی در درون آن گنجانده می شوند. گاهی اوقات تغییرات این قواعد با روند مقرر برای اصلاح قانون اساسی بعمل می آید.

30. Amendment of constitutional law

(a'mendment âv in kânsti'tyooshenâl lo)

تغییر قانون اساسی

Most states have a written constitution, one of the fundamental provisions of which that it can be amended in accordance with a special procedure.

اکثر کشورها یک قانون اساسی نوشته دارند، یکی از مقررات بنیادین آن این است که بر طبق تشریفات خاصی می تواند اصلاح شود.

31. Amortization (emortâzyeshen)

استهلاک

The gradual reduction of an existing debt or claim by partial payments , of principle and accrued interest,

stated intervals over a definite period of time.

کاهش تدریجی یک دین موجود از طریق پرداخت های جزئی، همراه با منفعت ویژه اصلی و متعلقه که در فواصل زمانی مشخص تعیین می شود.

32. Appellant (a'pelent)

پژوهش خواه

A person who lodges an appeal is called appellant.

شخصی که تقاضای پژوهش می کند پژوهش خواه نامیده می شود.

33. Arbitral awards (ârbitrel e' words)

احکام داوری

Each contracting state shall recognize arbitral awards as binding and enforce them in accordance with the rules of procedure of the territory where the award is relies upon.

هر دولت متعاهدی بایستی احکام داوری را به عنوان احکامی الزام آور و لازم الاجرا، بر طبق نظامنامه داخلی سرزمینی که حکم در آنجا مورد استناد واقع می شود به رسمیت بشناسد.

34. Arbitrary order (ârbitreri order)

دستور خودسرانه

Arbitrary order is an unauthorized order.

دستور خودسرانه دستور بدون مجوز هست.

35. Arbitration (arbi'tryshen)

داوری

Arbitration may be seen as a form of alternative adjudication.

داوری می تواند بعنوان شکلی از حکمیت جانشینی مشاهده می شود.

36. Arbitration award (arbi'tryshen e'word)

حکم داوری

The arbitration award must be reasoned and must not be contradictory to substantive laws.

حکم داوری باید مستدل باشد و نایستی مغایر با حقوق موجد حق باشد.

37. Arrest (a'rest)

بازداشت کردن، بازداشت

Some people were arrested for drugs related offences. You are under arrest for being in possession of an offensive weapon.

برخی مردم بخاطر جرائم مربوط به مواد مخدر بازداشت شدند. شما به خاطر داشتن سلاح تهاجمی تحت توقیف هستید.

38. Arson (ârsen)

احراق

The deliberate act of setting fire to a house or other

buildings is charged as arson.

عمل عمدی آتش زدن یک خانه یا ساختمانهای دیگر بعنوان احراق محسوب می شود.

39. Artificial persons (ârtifishâl persenz)

اشخاص حقوقی

That is, juristic / legal persons.

یعنی اشخاص حقوقی.

40. Assault (e'solt)

حمله، یورش

Assault means an intentional or reckless act that causes someone to expect to be subjected to immediate physical harm.

حمله و یورش یعنی یک فعل عمدی یا از روی بی احتیاطی که سبب می شود شخصی انتظار وقوع صدمه جسمانی فوری را داشته باشد.

An act which causes another person to be in immediate fear of an unlawful physical attack .

عملی که سبب می شود شخص دیگر در حالت ترس ناگهانی از یک حمیه فیزیکی غیرقانونی قرار گیرد حمله و یورش نامیده می شود.

Actual physical contact is not necessary to constitute an assault, but the word is often loosely used to include both threatening act and physical violence.

برای اینکه (عملی) یک حمله محسوب شود تماس جسمی واقعی لازم نیست اما این لغت غالباً با مسامحه و بطور غیردقیق برای دربرگرفتن عمل تهدید آمیز و خشونت جسمانی بکار گرفته می شود.

Assault is an offence as well as a tort.

حمله و یورش یک جرم و نیز یک شبه جرم است.

41. Attachment (e'tachment)

ضبط

Attachment means a court order for the detention of a person and/ or his property.

ضبط یا توقیف یعنی حکم دادگاه مبنی بر توقیف یک شخص و/ یا مال او.

42. Attempt (a'tempt)

شروع به جرم

Attempt is classified as inchoate offences.

شروع به جرم به عنوان جرائم ناقص، طبقه‌بندی می‌شود.

43. Authority (o'thâriti)

قدرت، تفویض اختیار

Authority means a governing body, power delegated to a person or body to act in a particular way.

تفویض اختیار به معنای یک رکن حاکم، اختیار تفویض شده به یک شخص یا یک رکن (نهاد) برای اینکه به شیوه خاص عمل کند می‌باشد.

44. Award (e'word)

حکم و رأی (داور)

The decision of an arbitrator is called award.

تصمیم یک داور حکم و رأی (داور) نامیده می شود.

45. Bail (beyl)

کفالت

Bail means the release of a person held in legal custody while awaiting trial or appealing against criminal conviction.

Procuring release of a person charge with an offence while awaiting trial .

A security given by other persons the accused will attend court on the appointed day and time.

کفالت به معنای آزاد کردن شخصی است که در حبس قانونی نگه داشته در حالی که منتظر محاکمه می باشد یا از حکم محکومیت کیفری خود درخواست پژوهش نموده است.

فراهم ساختن آزادی شخصی که متهم به یک جنایت است در حالی که منتظر محاکمه و دادرسی است آزاد کردن به قید کفالت نامیده می شود.

تضمین داده شده توسط اشخاص دیگر [مبنی بر اینکه] متهم در روز و زمان تعیین شده در دادگاه حاضر شود.

46. Balance of debt (baleens âv det)

باقیمانده قیمت قراردادی

That is, the balance of purchase price.

یعنی باقیمانده قیمت قراردادی.

47. Bankruptcy (bankrâpsi)

ورشکستگی

The object of bankruptcy is to provide for equality in the distribution of the debtor's property among creditors of the same rank.

موضوع ورشکستگی عبارت است از پیش بینی تساوی در تقسیم اموال بدهکار میان غرمائی از همان رده.

48. Barrister (barister)

وکیل مدافع

Barrister means legal practitioner who acts as an advocate for a party in court.

Barristers are primarily engaged in advocacy of parties in court.

باریستر به معنای حقوقدانی که بعنوان وکیل در یک دادگاه برای شخصی عمل می‌کند می‌باشد.

وکلاء به طرفداری از طرفین در دادگاه منصوب و گمارده می‌شوند.

49. Battery (bateri)

ایراد ضرب و جرح

Battery means actual unlawful force on another person, without lawful reason or just cause.

Battery means actually applying force to another. The intentional or reckless application of physical force someone without his consent.

ایراد ضرب و جرح به معنای فشار غیرقانونی واقعی نسبت به شخص دیگر بدون دلیل قانونی یا علت موجه می باشد.
ایراد ضرب و جرح یعنی: اعمال واقعی زور نسبت به دیگری. اعمال نیروی جسمی از روی عمد یا بی احتیاطی نسبت به شخصی بدون رضایت او.

50. Bearer (berer)

دارنده، حامل

A person possessing a negotiable instrument payable to any unspecified payee is bearer.

شخص دارای سند در وجه حامل قابل پرداخت به هر شخص نامعین، حامل می باشد.

51. Bill (bil)

صورت حساب لایحه

Bill means any of various written instruments, a written account of money owed, a draft of a proposed Act which must normally be passed by parliament.

لایحه عبارتست از هر گونه اسناد مکتوب مختلف، حساب کتبی پول مقروض، طرح قانون پیشنهادی که معمولاً باید توسط پارلمان تصویب شود.

52. Bill of exchange (bil âv iks' cheynj)

برات

A holder in due course of a bill of exchange takes it free from equities.

Phrase a holder in due course means a bona fide holder who takes a bill in good faith.

A person who endorses and delivers a bill of exchange to another can pass a better title than he himself possesses if the transferee is a bona fide holder obtained it for value.

The drawer, acceptor and the endorsers of a bill of exchange are jointly and severally responsible to the holder.

دارنده با حسن نیت یک برات آن را به دور از هر گونه غرضی می گیرد. عبارت دارنده با حسن نیت یعنی دارنده با حسن نیتی که برات را با حسن نیت می گیرد.

شخصی که برات را ظهرنویسی می کند و آن را به دیگری تحویل می دهد می تواند مالکیت بیش از آنچه که خود داراست به دیگری منتقل کند و آن در صورتی است که منتقل الیه دارنده با حسن نیتی باشد که آن را در مقابل عوض ارزشمندی بدست آورده باشد. براتکش، قبول کننده و ظهرنویسان یک برات در برابر دارنده متضامناً مسئولند.

53. Bill of indictment (bil âv in' dâytment)

ادعاینامه، کیفرخواست

A formal written accusation charging someone with an offence is called bill of indictment.

The usual method of preferring a bill of indictment

is by committal proceeding before a magistrates court, following preliminary investigation.

ادعانامه مکتوب رسمی برای متهم ساختن کسی به ارتکاب جرم کیفرخواست نامیده می‌شود.
روش معمولی ارجاع یک کیفرخواست، ارجاع دعوی نزد دادگاه ماجستریت، بعد از رسیدگی مقدماتی هست.

54. Bill of lading (bil âv leyding)

بارنامه

A bill of lading is a receipt for the goods, a document of title to the goods and a contract for the transportation of the goods

بارنامه یک رسید کالا، سند مالکیت کالا و قرارداد حمل و نقل کالا است.

55. Blackmail (blakmeyl)

اخاذی

Making an unwarranted demand with menaces, is called blackmail.

تقاضای غیرمجاز توأم با تهدید اخاذی نامیده می‌شود.

56. Bona fide purchase (bonâ fâydi perchis)

خرید از روی حسن نیت

A bona fide purchase of property is a real or valid purchase as distinguished from a fraudulent conveyance.

خرید مال از روی حسن نیت خرید معتبر یا واقعی است و متفاوت با
اضرار دیون می باشد.

57. Breach of reciprocal obligations

(briich âv ri 'siprokâl âbli'geyshen)

نقض تعهدات متقابل

As conventional rules often give rise to reciprocal obligations, one consequence of a breach may be to release another office-holders from the normal constrains that would otherwise bind him.

با توجه به اینکه قواعد قراردادی اغلب باعث تعهدات متقابل می شوند
یک نتیجه از نقض ممکن است صاحب منصب دیگری را از فشارهای
طبیعی که در غیر آن صورت او را ملزم و مقید می ساخت برهاند.

58. Bribe (brâyb)

رشوه

Money or gift given or offered to someone in return for some help dishonestly is bribe.

پول یا هدیه ای که از روی سوء نیت در ازای نوعی کمک به کسی داده
یا تقدیم می شود رشوه می باشد.

59. Bring an action (bring an akshen)

اقامه دعوا کردن

If a product sold by a seller is defective, the buyer may bring an action against the seller.

اگر یک تولید و محصول فروخته شده توسط یک فروشنده معیوب

باشد، خریدار می تواند علیه فروشنده اقامه دعوا نماید.

60. Burden of proof (berden âv proof)

بار اثبات

In a civil action the burden of proof rests with plaintiff, claimant, applicant.

In criminal cases, the burden is throughout on the prosecution to establish the case against the accused beyond reasonable doubt

In a criminal offence it is a duty of the prosecutor to prove that the accused committed a prohibited act with a guilty intent.

در دعوای مدنی بار اثبات برعهده خواهان، مدعی، خواهان است. «در پرونده‌هایی جزایی، بار اثبات دعوی تماماً برعهده دادستان است و اوست که باید دعوی را علیه متهم به گونه‌ای طرح و اثبات نماید که جای هیچگونه شک و تردید معقولی نباشد»

در یک جرم جزایی، این وظیفه تعقیب کننده (دادستان) است که اثبات کند متهم مرتکب یک عمل ممنوعه با نیت مجرمانه شده است.

61. Burglar (bergler)

سارق

Burglar is a person who enters a building to steal or commit a crime.

سارق شخصی است که برای سرقت یا ارتکاب جرمی وارد ساختمان می شود.

62. Burglary (bergleri)

ورود به ساختمان غیر به قصد ارتکاب جرم

A person is guilty of burglary if he enters a building as a trespasser and steals property inflicts any grievous bodily harm therein.

شخصی مقصر به جرم ورود غیرمجاز به ملک دیگری است در صورتی که او بعنوان متجاوز وارد ساختمانی شود و مالی را که در آنجاست سرقت کند هرگونه صدمه شدید جسمانی وارد نماید.

63. Business law (biznis lo)

حقوق تجارت

Business law is the body of law which governs business and commercial transactions. It is often considered to be a branch of civil law and deals both with issues of private law and public law.

حقوق تجارت مجموعه قواعد و قوانین است که بر معاملات بازرگانی و تجاری حاکم است. حقوق تجارت غالباً به عنوان شاخه ای از حقوق مدنی تلقی می شود که هم با مسائل و موضوعات حقوق خصوصی و هم حقوق عمومی سر و کار دارد.

64. Capacity (ke'pasiti)

اهلیت

If the obligee does not have the legal capacity to take possession, the payment made to his account

shall not be valid.

اگر متعهدله اهلیت قانونی برای قبض نداشته باشد تأدیبه در وجه او معتبر نخواهد بود.

65. Capital punishment (kapitâl pânishment)

مجازات بزرگ، اعدام

Execution as a punishment is equivalent to capital punishment.

اعدام به عنوان یک مجازات، معادل مجازات بزرگ هست.

66. Case law (keys lo)

رویه قضایی

Case law is said to be the result of inductive reasoning in the sense that broad principles of law emerge as a result of the collation and study of a large number separate decisions on unwritten law or on the interpretation of statutory provisions

The basic law of the Anglo-American system is common law, or case law. It is in an unorganized form, consisting merely of a record of the decisions of past cases. As each case was decided by an appellate court, and opinion was giving the reasons why the case was so decided. This opinions were carefully preserved. As they grew in volume, it became possible to find a former opinion which seemed to cover the facts of a new case. The opinion

was said to be a precedent and was followed.

گفته می‌شود که رویه قضایی نتیجه استدلال استقرایی می‌باشد، به این مفهوم که اصل موسع حقوق در نتیجه مقابله و مطالعه قسمت اعظم تصمیمات جداگانه در زمینه حقوق غیر مدون یا تفسیر مقررات قانونی به منصفه ظهور و بروز می‌رسد.

حقوق اصلی و بنیادین سیستم انگلیسی امریکایی، کامن لا یا رویه قضایی می‌باشد. آن به شکل سازمان یافته نبود و صرفاً متشکل از ثبت دعاوی گذشته می‌باشد. نظر به اینکه هر دعوا یا پرونده ای بوسیله و توسط دادگاه پژوهش تصمیم گرفته می‌شود به همین دلیل است که رأی و نظر داده شده در این مورد خیلی محرز و قاطعانه است. این نظرات دقیقاً حفظ و نگهداری می‌شوند. به همان گونه که تعدادشان زیاد می‌شود، این احتمال وجود دارد که نظر و رأی قبلی ای پیدا بشود که بنظر برسد حقایق یک پرونده جدید را در بر گرفته و آن را تحت پوشش خود قرار دهد. این نظر ابراز شده به عنوان یک سابقه و رویه قضایی بوده و از آن متابعت و پیروی می‌شود.

67. Caution (koshen)

اخطار، هشدار

“You are not obliged to say anything, but what you say be given in evidence and used against you”. The above clause which is addressed to an accused is called a caution.

«شما مجبور نیستید مطلبی بگویید، ولی هر چیزی که بگویید به عنوان مدرک محسوب خواهد شد و علیه شما به کار گرفته خواهد شد.» عبارت فوق که به متهم خطاب می‌شود اخطار نامیده می‌شود.

68. Child destruction (châyld dis'trâkshen)

از بین بردن بچه، اسقاط جنین

An unlawful act causing an unborn child to die.

یک عمل غیرقانونی که سبب می‌شود بچه‌ای که هنوز متولد نشده بمیرد.

69. Choice of law clause (choys âv lo kloz)

شرط انتخاب قانون حاکم

A contractual clause by which the proper law of the contract is determined it is called choice of law clause.

The courts will normally enforce a choice of law clause, provide that the intention expressed is bona fide and legal, and provided there is no reason for avoiding the choice on the ground of public policy.

شرط قراردادی که به موجب آن قانون حاکم بر قرارداد تعیین می‌شود شرط انتخاب قانون حاکم نامیده می‌شود.

دادگاهها معمولاً شرط انتخاب قانون حاکم را اجرا می‌کنند، مشروط بر آنکه قصد بیان شده با حسن نیت توأم بوده و قانونی باشد و مشروط بر آنکه بر مبنای نظم عمومی دلیلی برای ابطال این انتخاب وجود نداشته باشد.

70. CIF contract (sii ây ef kân'trakt)

قرارداد سی آی اف

In a CIF contract, the seller, in addition to the

shipment, should procure an acceptable insurance.

در قرارداد سی آی اف (سیف)، فروشنده علاوه بر ارسال باید بیمه قابل قبولی را فراهم کند.

71. Claim for restitution

(kleyim for resti'tyooshen)

دعوی بازگشت به وضع سابق

A claim for restitution arises when the plaintiff has, in performing his part of contract, conferred a benefit on the defendant and seeks to get back that benefit or its value.

دعوی بازگشت به وضع سابق زمانی مطرح می شود که خواهان در اجرای تعهد خود سودی به خواننده رسانده و در صدد برگرداندن عین آن سود یا ارزش آن می باشد.

72. Claimant (kleyment)

”خواهان

The claimant will be able to claim damages in respect of all reasonably foreseeable consequences of escape. “Claimant” means Plaintiff.

خواهان قادر خواهد بود در مورد کلیه نتایج قابل پیش بینی معقول در مورد اجتناب از [قرارداد] مطالبه خسارت نماید. ”خواهان“ یعنی مدعی.

73. Coastal sea (kostâl sii)

دریای سرزمینی

A coastal state enjoys sovereignty over a belt of sea adjacent to its coast, described as the territorial sea which extends to the air space over the territorial sea as well as to its bed and subsoil.

دولت ساحلی از حق حاکمیت بر حاشیه ای از دریا که مجاور ساحل آن است و دریای سرزمینی خوانده می شود برخوردار است، حاکمیت مزبور بر فضای بالای دریای سرزمینی و همچنین بستر و زیر بستر آن گسترش می یابد.

74. Coastal state (kostâl steyt)

دولت ساحلی

In the territorial sea the coastal state has sovereignty. The coastal state has an exclusive right to fish, and to exploit the resources of the seabed and subsoil of the territorial sea. The text states that no state, except coastal state, is permitted to fish in territorial sea.

در دریای سرزمینی دولت ساحلی (حق) حاکمیت دارد. کشور یا دولت ساحلی دارای حق انحصاری برای ماهیگیری، استخراج منابع از بستر و زیر بستر دریای سرزمینی می باشد. متن می گوید هیچ کشوری به جز کشور ساحلی، مجاز به ماهیگیری در دریای سرزمینی نیست.

75. Code (kod)

مجموعه قوانین

A code is a complete formulation of a body of law.

مجموعه قوانین (code) عبارت است از تدوین کامل مجموعه‌ای از حقوق.

76. Codification (kodifikeyshen)

تدوین

Codification includes case law as well as statute law.
تدوین رویه قضایی و قانون موضوعه را شامل می‌شود.

77. Coercion (ko'ershen)

اجبار

“Coercion” is a technical term used to refer to what is normally concerned with moral or spiritual influence.

اجبار، یک اصطلاح فنی است که برای اشاره به آنچه که معمولاً مربوط به تأثیر و نفوذ اخلاقی و روحی است به کار گرفته می‌شود.

78. Collateral contract (kolatrâl kân'trakt)

قرارداد جنبی

Where a contract is entered into on the faith of a statement made by one of the parties there may be a collateral contract based upon the statement.

هرگاه قرارداد با تکیه بر گفته یکی از طرفین منعقد شده باشد، ممکن است یک قرارداد جنبی بر اساس آن گفته بوجود آید.

79. Commit crime (kâ'mit krâym)

مرتکب جرم شدن

The official statistics for England and Wales suggest that certain racial groups commit more crimes per head of their population than others.

«آمار رسمی انگلستان و ولز اشاره دارد به اینکه برخی گروههای نژادی سرانه نسبت به جمعیتشان مرتکب جرائم بیشتر می‌شوند تا دیگران.»

80. Committal for sentence (kâ'mitâl forsentens)

ارجاع برای تعیین حکم مجازات

Sending a case from magistrate's court to the crown court when the accused pleads guilty is technically called "committal for sentence".

ارجاع یک قضیه از دادگاه بدوی به دادگاه بالاتر هنگامی که متهم اعتراف به جرم و مجرم بودن خود بکند اصطلاحاً ارجاع قضیه برای تعیین حکم مجازات نامیده می‌شود.

81. Committal proceeding (kâ'mitâl pro'siiding)

ارجاع دعوای

The usual method of preferring a bill of indictment is by committal proceeding before a magistrates court, following preliminary investigation.

روش معمولی ارجاع یک کیفرخواست ارجاع دعوای نزد دادگاه ماجستریت، بعد از رسیدگی مقدماتی هست.

82. Common law (kâmân lo)

حقوق عرفی

Common law is created by the courts.

The basic law of the Anglo-American system is common law, or case law. It is in an unorganized form, consisting merely of a record of the decisions of past cases. As each case was decided by an appellate court, and opinion was giving the reasons why the case was so decided. This opinions were carefully preserved. As they grew in volume, it became possible to find a former opinion which seemed to cover the facts of a new case. The opinion was said to be a precedent and was followed.

کامن لا (حقوق عرفی) توسط محاکم ایجاد می‌شوند. حقوق اصلی و بنیادین سیستم انگلیسی- امریکایی، کامن لا یا رویه قضایی می‌باشد. آن به شکل سازمان یافته نبود و صرفاً متشکل از ثبت دعاوی گذشته می‌باشد. نظر به اینکه هر دعوا یا پرونده ای بوسیله و توسط دادگاه پژوهش تصمیم گرفته می‌شود به همین دلیل است که رأی و نظر داده شده در این مورد خیلی محرز و قاطعانه است. این نظرات دقیقاً حفظ و نگهداری می‌شوند. به همان گونه که تعدادشان زیاد می‌شود، این احتمال وجود دارد که نظر و رأی قبلی ای پیدا بشود که بنظر برسد حقایق یک پرونده جدید را در بر گرفته و آن را تحت پوشش خود قرار دهد. این نظر ابراز شده به عنوان یک سابقه و رویه قضایی بوده و از آن متابعت و پیروی می‌شود.

83. Community service order

(kâ'myooniti servis order)

دستور خدمات اجتماعی

An order by which an offender is required undertake between 40 and 240 hours work in the community as specified by the court is a community service order.

قرار یا حکمی که به موجب آن مجرم متعهد می‌شود که بین ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت به گونه‌ای که توسط دادگاه معین می‌شود کار کند یک قرار انجام کار و خدمات عمومی و عام المنفعه می‌باشد.

84. Company (kâmpeni)

شرکت سهامی

A company is a separate entity from the member, and this may be the essential difference between a company and a partnership, unlike the members of a company, are liable to the full extent of their personal for all the debts of the partnership business. In order to set up a company we have to draw up articles of association.

یک شرکت سهامی دارای شخصیتی جداگانه از اعضایش می‌باشد، و این می‌تواند تفاوت اساسی بین شرکت سهامی و شرکت تضامنی باشد. اعضاء یا شرکای یک شرکت تضامنی برخلاف اعضای یک شرکت سهامی، به اندازه تمام دارایی شخصی خود در مقابل تمام دیون شرکت تضامنی مسئولند.